از گهواره تا گور

خلیل الرحمن خباب

ز گهواره تا گور استادتم!

خادم الاسلام

خلیل الرحمن خباب

بسم الله الرحمن الرحیم

عنوان : ز گهواره تا گور استادتم!

نویسنده : خلیل الرحمن خباب

تاریخ انتشار : بهار ۱٤۰۱

ارتباط با ما:

وبلاگ: khademulislam.blog.ir

تلگرام: @Khademulislam

اینستاگرام: @KhabbabID

واتساپ و ایمو: +۹۳۷۰۲۸۳۷۳۰۰

عزیزی پرسید: استاد به چه کسی گفته می‌شود؟

آیا همین‌که چندکلمه حرف به کسی تعلیم دادیم، استاد می‌شویم؟

آیا این درست است که به خاطر تعلیم این چندحرف، همه‌جا جار بزنیم و ادعا کنیم که فلانی شاگرد من است؟

فردی سال‌ها پیش به دوست من فقط چندروز قاعده تعلیم داده بود و امروز دوست من از جایگاه علمی والایی برخوردار است؛ اما آن بزرگوار هنوز هم در همه‌جا ادعا می‌کند که فلانی شاگرد من است.

آیا این درست است و بی‌انصافی نیست؟

حتی به آن بزرگوار گفتم که چرا این کار را می‌کنید؛ شما فقط چندروز قاعده تعلیم دادید و امروز او برای خود شخصیتی شده، آیا این درست است که تا قیامت ادعا کنید استادش هستید؟

در جوابم فرمودند: نخیر مشکلی ندارد؛ چون این از باب تحدیث بالنعمة است.

حالا من مانده‌ام که این تحدیث بالنعمة دیگر چیست و آیا درست است که بر مبنای آن شخصیت دیگران را زیر سؤال برد و تا قیامت به خاطر تعلیم چندحرف ادعای استادی کرد؟!

❁❁❁

در جواب گفتم:

* استاد پدر معنوی انسان است که جهت شکوفاکردن استعدادهای درونی فرد تلاش می‌کند و به آن‌ها تکامل می‌بخشد. در دین مقدس اسلام، استاد از جایگاه والایی برخوردار است و در منابع معتبر اسلامی، به احترام وی توصیه و تأکید فراوانی شده است؛ تا آنجا که برخی از بزرگان احترام به استاد را مانند احترام به والدین واجب می‌دانند؛ چون بسیاری از پدر و مادرها تنها جسم فرزند را تربیت می‌کنند؛ اما این استاد است که به فکر و روح و روان و استعدادهای فرد توجه می‌کند و آنان را رشد و نمو می‌دهد.

علمای سلف آن‌قدر به اساتید خود احترام داشتند که حتی حاضر نبودند پای خود را به سمت خانۀ استاد خود دراز کنند و در برابر کودکان استادشان با فروتنی رفتار می‌کردند و احترام آن‌ها را به‌جا می‌آوردند.

پس می‌باید که احترام استاد مانند احترام پدر و مادر رعایت شود و از کوچک‌ترین اهانت یا بی‌احترامی به او پرهیز صورت گیرد.

* اما این‌که آیا با تعلیم چندحرف انسان استاد می‌شود، در جواب این سخن حضرت امیرالمؤمنین علی بن ابی‌طالب رضی الله عنه را برای‌تان می‌گویم که فرمودند:

«أَنَا عَبْدُ مَنْ عَلَّمَنِي حَرْفًا إِنْ شَاءَ بَاعَ وَإِنْ شَاءَ اسْتَرَقَّ»؛

«من غلام کسی هستم که به من یک سخن بیاموزد؛ اگر خواست (می‌تواند) مرا بفروشد و اگر خواست (می‌تواند) مرا به خدمت بگیرد».

[تعلیم المتعلم طریق التعلیم، زرنوجی: ۲۴]

پس مشخص می‌شود که استاد استاد است؛ چه یک کلمه بیاموزد یا یک عمر زحمت بکشد؛ اما هرچه بیشتر بیاموزد و تلاش بیشتری کند، انسان به همان اندازه مدیونش خواهد بود و باید احترام بیشتری به او داشته باشد.

در سورهٔ حجرات برخی آدابی به مسلمانان صدر اسلام توصیه و فرمان داده شده است که در برابر رسول‌الله ﷺ رعایت کنند و بیشتر علما بر این نظرند که آن آداب باید در مقابل اساتید نیز رعایت شود؛ چون رسول‌الله ﷺ هم یک استاد و یک معلم بودند و این‌ها نیز وارث پیامبران‌اند.

* اما جار زدن و همه‌جا به رخ‌کشیدن که من استاد فلانی هستم یا فلانی که به این جایگاه رسیده به خاطر تلاش‌ها و گفته‌های من است یا... کار بسیار ناپسندی است و فرقی ندارد که بر مبنای چه هدف یا منظوری باشد؛ چون از یک‌طرف تمام تلاش‌های فرد استادنما را از بین می‌برد و ریا محسوب می‌شود و از سوی دیگر آبرو، شأن و شخصیت شاگرد را زیر سؤال می‌برد و در هم

می‌کوبد؛ خصوصا زمانی که این استاد مدعی فرد سبک و بی‌شأن و وقاری باشد.

درست است که استاد است و زحمت کشیده و داشته‌های خود را به او منتقل کرده؛ اما این وظیفه‌اش بوده و همان چیزی را که از اساتید دیگر به دست آورده به فرد دیگری تعلیم داده است. همچنین این دلیل نمی‌شود که تا قیامت همه‌جا ادعا کند که فلانی شاگرد من است.

الله متعال وقتی مسلمانان را به صدقه و انفاق تشویق می‌کند، در ادامه خطاب به آنان می‌فرماید:

﴿الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ لَا يُتْبِعُونَ مَا أَنْفَقُوا مَنًّا وَلَا أَذًى لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ (٢٦٢) قَوْلٌ مَعْرُوفٌ وَمَغْفِرَةٌ خَيْرٌ مِنْ صَدَقَةٍ يَتْبَعُهَا أَذًى وَاللَّهُ غَنِيٌّ حَلِيمٌ (٢٦٣) يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُبْطِلُوا صَدَقَاتِكُمْ بِالْمَنِّ وَالْأَذَى كَالَّذِي يُنْفِقُ مَالَهُ رِئَاءَ النَّاسِ وَلَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ...﴾ [البقرة: ۲۶۲-۲۶۴]

«کسانی که اموال خود را در راه خدا انفاق می‌کنند، سپس به دنبال انفاقی که کرده‌اند، منت نمی‌گذارند و آزاری نمی‌رسانند،

پاداش آن‌ها نزد پروردگارشان (محفوظ) است و نه ترسی دارند و نه غمگین می‌شوند. گفتار پسندیده (در برابر نیازمندان) و عفو (و گذشت از خشونت‌های آن‌ها)، از بخششی که آزاری به دنبال آن باشد بهتر است و خداوند بی‌نیاز و بردبار است. ای مؤمنان! بخشش‌های خود را با منت و آزار، باطل نسازید؛ همانند کسی که مال خود را برای نشان‌دادن به مردم انفاق می‌کند و به خدا و روز رستاخیز ایمان نمی‌آورد ...».

الله متعال در این آیات انسان‌های که صدقه و انفاق می‌کنند و پشت سر آن به خاطر انفاق خود منت می‌گذارند و مستمندان را اذیت می‌کنند و همه‌جا به رخ آن‌ها می‌کشند را نکوهش کرده و صدقه و انفاق‌شان را باطل خوانده است، در حالی که در عالم ظاهر مالی که انفاق می‌کنند، از خودشان است؛ اما از آن‌جایی که اذیت و آزار انسان‌ها را در پی دارد، مورد نکوهش قرار گرفته است. این قانون اسلام است که نباید به خاطر اجرای احکام و

قوانین الهی حقوق انسان‌ها حتی کفار پایمال گردد و آن‌ها اذیت و آزار شوند.

پس مشخص می‌شود که هرچند استاد از جایگاه و مقام ویژه و والایی برخوردار باشد، درست نیست که همواره به رخ کشیده شود و باعث اذیت و آزار و تحقیر و ناچیز شمردن فرد گردد.

* اما منظور از تحدیث بالنعمة این سخن پروردگار است که خطاب به رسول‌الله ﷺ می‌فرماید:

﴿وَأَمَّا بِنِعۡمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثۡ (١١)﴾ [الضحى: ۱۱]

«و (ای پیامبر!) نعمت‌های پروردگارت را بازگو کن».

«در این آیه تنها رسول‌الله ﷺ مخاطب قرار گرفته‌اند؛ اما حکم آن عام است که هم رسول‌الله ﷺ را شامل می‌شود، هم غیر را.

از حسن بن علی رضی الله عنهما روایت شده که می‌فرماید: «هرگاه به تو خیری رسید یا کار نیکی انجام دادی، آن را به دوستان جانی‌ات تعریف کن».

و از عمرو بن میمون رحمه‌الله روایت شده که می‌فرماید: «اگر انسان با دوستی که به او اعتماد و باور کامل دارد ملاقات کرد، به او بگوید: الله متعال شب گذشته به من این‌قدر و این‌قدر توفیق نماز شب را عطا کرد».

[الجامع لأحکام القرآن، قرطبی: ۱۰۲/۲۰]

این‌ها برخی از اقوال و نظریات بزرگان است که علامه قرطبی رحمه‌الله در تفسیر خود ذکر کرده است که ثابت می‌کند تحدیث بالنعمة امر درستی است؛ اما از مفهوم این اقوال چنین برداشت می‌شود که احتیاط در آن شرط است و نباید هر نعمتی را در هرجا و نزد هرکسی تعریف کرد و باید شرایط، زمان و موقعیت‌ها را در نظر گرفت؛ چنان‌که الله متعال در مورد حضرت یعقوب علیه‌السلام می‌فرماید که خطاب به یوسف علیه‌السلام فرمود:

﴿يَا بُنَيَّ لَا تَقْصُصْ رُؤْيَاكَ عَلَى إِخْوَتِكَ فَيَكِيدُوا لَكَ كَيْدًا إِنَّ الشَّيْطَانَ لِلْإِنْسَانِ عَدُوٌّ مُبِينٌ (٥)﴾ **[یوسف: ۵]**

«فرزندم! خواب خود را به برادرانت بازگو مکن که برای تو نقشه (خطرناکی) می‌کشند؛ چرا که شیطان، دشمن آشکار انسان است».

پس مشخص می‌شود که تحدیث بالنعمة امر مشروعی است که الله متعال به رسول‌الله ﷺ دستور داده است و اوتعالی دوست دارد اثر نعمت خود را در وجود بنده‌اش ببیند و بنده با یادآوری نعمت‌ها و بازگو کردن آن‌ها به شکر و سپاس پروردگار بپردازد.

باید هدف از بازگو کردن نعمت‌ها، یادآوری آن‌ها و شکر پروردگار و رضایت اوتعالی مدنظر باشد؛ اما اگر مفاسد و عواقب ناگواری در پی داشت و باعث حسادت افراد، پایمال‌شدن حق دیگران، زیر سؤال رفتن شخصیت آن‌ها و اذیت و آزارشان گردید یا هدف افتخار و فخرفروشی بود، بهتر است از این کار پرهیز شود و تنها به شکر پروردگار پرداخته شود.

درود بی‌پایان بر پیامبر مهربانی‌ها و آل و اصحاب و پیروانش!

خادم الاسلام خلیل الرحمن خباب

زاهدان – ۱۶ رمضان المبارک

❁❁❁

آشنایی با نویسنده:

اسم	:	خلیل الرحمن خباب فرزند سیدمحمود فرزند سیدعابد
تولد	:	۲۹ میزان ۱۳۸۰ خورشیدی
محل تولد	:	قریۀ میاندره، ولسوالی پشتونکوت، ولایت فاریاب
تحصیلات	:	- مدارس متفرقۀ فاریاب (دورۀ ابتدایی ۹۰ - ۹۵) - دارالعلوم عالی انصار و دارالعلوم محمدیه هرات (دورۀ متوسطه ۹۶ - ۹۸) - عین‌العلوم گُشت سراوان (دورۀ موقف‌علیه ۹۹) - دارالعلوم مکی زاهدان (دورۀ حدیث ۱۴۰۰)

از همین نویسنده:

